

# بازخوانی چستی حیثیات و چگونگی دلالت آنها بر ترکیب موضوع متحیث (با محوریت آراء میرداماد)

محمد هادی توکلی\*

دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## چکیده

اهمیت «حیثیات» در فلسفه تا بدانجاست که برخی مدعی شده‌اند «لولا الإعتبارات لارتفعت الحکمة» و فلسفه را بر حیثیات استوار دانسته‌اند. یکی از مباحث فلسفی که در پیوند با بحث از حیثیات قرار دارد، بحث از «ترکیب» است؛ حیثیت، هرگونه که باشد، بر نحوه‌ی از تكثر دلالت میکند، زیرا مناط اتصاف به یکی از حیثیات، عیناً مناط اتصاف به حیثیت دیگر نیست. بنابراین، حیثیاتی که از یک موضوع واحد (اعم از وحدت حقیقی یا اعتباری) انتزاع میشوند بر وجود نحوه‌ی از تكثر در خود موضوع (در حیثیت تقییدیه) یا امور خارج از موضوع (در حیثیت تعلیلیه) دلالت میکنند؛ مرکب بودن یکی از انحاء تكثر در موضوع است. این نوشتار در صدد است به بازخوانی مسئله حیثیات و مباحث مقدم و مؤخر بر آن بپردازد.

دو واژه «جهت» و «حیثیت» بوفور دیده میشود و کارایی آن در مسائل فلسفی تا بدانجاست که قطب‌الدین رازی در رساله‌ی که درباره کلیات نگاشته، این عبارت را به ارسطو نسبت میدهد: «لولا الإعتبارات لارتفعت الحکمة»؛ اگر اختلاف حیثیات نبود فلسفه و حکمت تحقق نمیپذیرفت! صحت این بیان بدین جهت است که اگر از اختلاف حیثیات خبری نباشد از عالم ذهن نیز اثری نیست و در جایی که ذهن تحقق نداشته باشد فلسفه نخواهد بود.

در برخی گزاره‌های فلسفی و در بیان چگونگی پیوند موضوع و محمول، واژه «حیثیت» بعنوان وصف برای یک موضوع قرار میگیرد و بصورت «از حیث» و... ظاهر میشود. محکی عنه این واژه خاصیتی عینی در موضوع است که موضوع بواسطه آن خاصیت و با تحیث و تقید به آن، دارای حکم خاصی، یعنی محمول، میگردد.

حیثیت، هرگونه که باشد، بر نحوه‌ی از تكثر دلالت میکند، بجهت آنکه بتعبیر صدرالمألهین، «مناطق اتصاف به یکی از حیثیات، عیناً مناط اتصاف به

## کلیدواژگان

حیثیت تقییدیه  
حیثیت تعلیلیه  
واحد حقیقی  
ترکیب  
واحد اعتباری

\*.Email: iranianhadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۲۶

۱. رازی، «تحقیق الکلیات»، ص ۸۱.

مقدمه

در متون فلسفی و اصولی و حتی در محاورات عرفی،